

## پیش‌خوان

شهید سیداسدالله لاجوردی در آیینه یک پژوهش نوانتشار

### حرکت قاطع در مسیر استحکام نظام اسلامی

■ شاهد توحیدی



اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، زندگی و زمانه شهید سیداسدالله لاجوردی را روایت کرده است. این پژوهش از سوی غلامعلی پاشازاده انجام شده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی،

به انتشار آن همت گماشته است. تا نمای ناشر در معرفی موضوع این کتاب، به نکات پی آمده اشارت برده است:

«شهید سیداسدالله لاجوردی از جمله کسانی بود که در نهضت انقلابی ایران نقش داشت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز وظایف مهمی را در گرفت. وی در سال ۱۳۱۴ش، در خانواده‌های مذهبی در جنوب تهران دیده به جهان گشود و در کانون گرم خانواده، با تعلیمات اسلامی پرورش یافت. دوران کودکی وی مصادف با حکومت استبدادی رضاخان و اشغال ایران در ۱۳۲۰ش ودوران جوانی شهید لاجوردی نیز مصادف با حوادث مهمی در عرصه سیاست ایران است.نهضت ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸مرداد، از جمله حوادث مهم این دوره هستند که تأثیر فراوانی بر روحیات و عواطف وی داشتند. سیداسدالله به علت فقر مالی، ناچار شد دبیرستان را ترک کند و به کار در بازار مشغول شود. در همین زمان از طریق آشنایی با حاجصادق امانی، زمینه حضور لاجوردی در گروه شیعیان فراهم می‌شود. در دهه ۱۳۳۰ به همراه یاران خود در گروه شیعیان، به فعالیت‌های فرهنگی - مذهبی مشغول می‌شود و در مسائل سیاسی دخالت نمی‌کند. از آنجا که وی در جریان مبارزات فدائیان اسلام و آیت‌الله



۶۰دشهید سیداسدالله لاجوردی

کاشانی قرار می‌گیرد، به فعالیت‌های سیاسی هم کشیده می‌شود و با آغاز نهضت امامخمینی (ره)، در زمره یاران وی درمی‌آید. با مشاهده اولین اعلامیه امام، سخت تحت تأثیر قرار می‌گیرد و از این زمان بااشتیاق وصفناپذیری به همراه دوستان خود، تکثیر و توزیع اعلامیه‌های رهبر انقلاب را آغاز می‌کند. شهید لاجوردی در سال‌های تبعید امام و به دلیل فعالیت‌های مبارزاتی، سه بار دستگیر و به زندان محکوم می‌شود و مورد شکنجه قرار می‌گیرد. یکی از ویژگی‌های منحصر بفرد وی، مقاومت در برابر شکنجه‌های سنگین ساواک بود که هیچ‌گاه نتوانستند از وی اعتراف بگیرند، به طوری که وی را مرد پولادین زندان‌ها لقب دادند. لاجوردی بلافاصله پس از اینکه از زندان آزاد می‌شند، به فعالیت‌های خود ادامه می‌داد. وی در معیت بزرگمردانی چون شهیدصادق امانی و شهیدمهدی عراقی به تشکیل جمعیتی مبارز با عنوان هیئت‌های مؤتلفه اسلامی دست یازید که یکی از تشکل‌های مؤثر در تبلیغ و ترویج پیام امام و پیشبرد نهضت انقلابی ایشان به شمار می‌رفت و تاکنون نیز پابرجاست. شهید لاجوردی در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نقش فعالی ایفا کرد و با توجه به شناخت جریانات سیاسی ضدانقلاب، وظیفه سنگینی پذیرفت. وی به تقویت و خنثی کردن توطئه‌های گروهک‌های معاند تعیین، به ویژه گروهک فرقان و منافقین پرداخت و در این زمینه تلاش‌های فراوانی کرد. به این ترتیب لاجوردی عهده‌دار حفظ و حراست از نظام نوپای جمهوری اسلامی شد و توانست گروهک‌های منافقین و فرقان را از بین ببرد. مقارن با پایان جنگ تحمیلی، لاجوردی به ریاست سازمان زندان‌های کشور منصوب شد و با توجه به شرایط دشوار زمانی و مشکلات عدیده‌ای که پس از جنگ گریبانگیر جامعه ایران شده بود، توانست هم در عرصه تربیت و بازپروری مجرمان و هم در عرصه مدیریت سازمان زندان‌ها، به توفیقات زیادی دست پیدا کند…»

## منابع

اروزنامه جوان |شماره ۱۶۹۳|

معرفی موضوع این کتاب، به نکات پی آمده اشارت برده است:



پهلوی دوم و طمع‌ورزی صهیونیست‌ها به کشاورزی ایران

# زمین‌های زراعی قزوین ودشت مغان در دست تطاول اسرائیل!

■ **سمانه رحمانی**

بعد از شناسایی رژیم جعلی اسرائیل به صورت «دوقاکتو» در سال۱۳۲۹ش.واژسوی رژیم پهلوی، همکاری‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی واجتماعی با این کشور غاصب آغاز شد. بعد از اجرای برنامه اصلاحات ارضی در ایران اشغالگر قدس در واردات محصولات کشاورزی به ایران گسترش یافت و حتی تا حدود فراوانی موجب تضعیف خودکفایی کشاورزی در ایران شد. در این مقال گوشه‌ای از اقدامات اسرائیل در تخریب کشاورزی ایران و تلاش برای نابودی خود کفایی زراعی کشورمان را مورد بازخوانی قرار داده‌ایم. امید آنکه تاریخ پژوهان معاصر و عموم علاقه‌مندان را مقید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **«اصلاحات ارضی» به مثابه مقدمه‌ای برای نفوذ اسرائیل به کشاورزی ایران**

بعد از جنگ جهانی دوم، اندیشه کمونیست در برابر استثمار و سرمایه‌داری غرب، قد علم کرد. در آن دوره، فقر در بسیاری از کشورها پیدای می‌کرد. مردم برای نجات خود، به دامان کمونیست‌ها پناه بردند. در این میان آمریکا برای جلوگیری از انقلاب‌های کمونیستی در کشورهای تحت سلطه خود، دست به مجموعه‌ای از اقدامات تحت عنوان اصلاحات ارضی زد. پهلوی دوم به تبعیت از امریکایین طرح را در ایران اجرا کرد که با مخالفت افشار زیادی از جمله روشنفکران و فعالان سیاسی مواجه شد. این طرح شیوه کهن کشاورزی در ایران را که بر پایه نظام ارباب‌رعیتی و مبتنی بر یک مدیریت دیرین بود، از هم پاشید و پایه و اساس کشاورزی ایران را دچار دگر گونی کرد. از آنجا که پهلوی دوم مانند پدرش از تأیید داخلی برخوردار نبود، برای کسب حمایت بیشتر کشور امریکا، دست به اجرای سیاست اصلاحات ارضی زد و این طرح فرصتی مناسب برای صهیونیست‌های فرصت‌طلب بود تا منابع ایران را غارت کنند.

■ **اراضی کشاورزی ایران، به مثابه بهشت صهیونیست‌ها**

بعد از شروع اجرای طرح اصلاحات ارضی، فعالیت‌های صهیونیست‌ها برای سلطه بر زمین‌های کشاورزی ایران آغاز شد. یکی از برنامه‌های صهیونیست‌ها این بود که بر اساس تیسر ده‌های قانون اصلاحات ارضی، می‌توانستند با واردات ماشین‌آلات صنعتی و

کشاورزی، از پرداخت هر گونه عوارض و حقوق گمرکی معاف شوند!ا سوی دیگر دولت ایران موظف بود نه تنها به آنها گذرنامه رایگان اعطا کند، بلکه امکانات مورد نیاز ایشان در عرصه کشاورزی را به طور مجانی در اختیارشان قرار دهد<sup>(۱)</sup>، البته باید توجه داشت این سیاست صهیونیست‌ها، برگرفته از شیونامه یکی از دانشوران ایشان بود. در این پروتکل آمده است: «ملاکان وزمینداران، زندگی خود را با تکیه بر درآمد‌های حاصله از زمین اداره می‌کنند و خودکفا هستند، پس ما باید هر طور شده، آنها را از این املاک محروم سازیم و بهترین راه برای رسیدن به این هدف، این است که فعالیت زمینداری را محدود و دشوار سازیم در نتیجه «گویم» تسلیم‌ما می‌شوند و در برابر آرا و اندیشه‌های ما، خضوع می‌کنند.»<sup>(۲)</sup>

■ **صهیونیست‌ها در دشت قزوین**

در تاریخ ۱۰شهریور ۱۳۴۱، زلزله‌ای عظیم دشت قزوین را زبرورو کرد!شاه ایران که به دنبال فرصتی مناسب برای پیاده کردن طرح اصلاحات ارضی بود، از کمپانی‌ها و شرکت‌های کشاورزی در سراسر دنیا دعوت کرد برای آبادانی و بازسازی دشت قزوین به ایران بیایند. در این میان اسرائیل که موقعیت را برای حضور در ایران مناسب دید، در ۲۷شهریور ۱۳۴۱، موشه دایان، وزیر کشاورزی وقت خود را به همراه کارشناسان و مهندسان اسرائیلی به ایران فرستاد.

او به همراه شاه، نخست وزیر و حسن ارستحانی وزیر کشاورزی، از دشت قزوین دیدن کرد. موشه دایان در این سفر، پیشنهاد همکاری برای یک پروژه کشاورزی مکانیزه در دشت قزوین را داد که مورد موافقت شاه قرار گرفت. این قرارداد در ماه مه ۱۳۴۲ به امضای طرفین رسید و پس از ۹ماه مطالعه، پیش‌بینی شد که این طرح در مدت شش سال و با هزینه ۴میلیون دلاری به اتمام برسد. این پروژه در بهار سال۱۳۴۵ نیز مورد بازدید شاه قرار گرفت. مطبوعات اسرائیلی این بازدید را بسیار بااهمیت تلقی کردند و آن را «روز اسرائیل» نام نهادند!در واقع این طرح برای اسرائیلیان از آن جهت اهمیت داشت که توانسته بودند با یک کشور اسلامی قراردادی آشکار امضا کنند. دهها کارشناس پهلوی با مسلمانان بومی همکاری کنند

■ **چهارم:** از لحاظ نوع تولید، دشت قزوین دنباله بخش کشاورزی اسرائیل بود. اسرائیل می‌خواست با توسعه وابستگی کشاورزی ایران به آن کشور، وضع را غیرقابل برگشت سازد<sup>(۳)</sup>. به دلیل همین پیامدهای منفی، کم‌کم اعتراض‌ها به قرارداد دولت با اسرائیل در دشت قزوین آشکار شد، البته در مقابل، حکومت نیز به سرکوب معترضان اقدام کرد، مثلاً در دوره وزارت کشاورزی ریاحی، هر فردی که به حضور و دخالت اسرائیلی‌ها در ایران معترض می‌شد، بی‌درنگ به کار متفاوتی منتقل و اشخاصی دیگر جای او را می‌گرفتند<sup>(۴)</sup>. به هر حال پروژه دشت قزوین دوامی نداشت و ایرانی‌ها که در طول چند سال، متوجه اقدامات تخریبی اسرائیل در

## تاریخ

تاریخ: ۰۶-۱۸۵۲۳

دیدار هموز قزاقیب، رئیس تشریفات وزارت دیار پهلوی با موشه دایان و همسرش در مسیر به ایران

پس از زلزله عظیم قزوین، اسرائیل موشه دایان، وزیر کشاورزی وقت خود را به همراه برخی کارشناسان و مهندسان به ایران فرستاد. او در این سفر، پیشنهاد همکاری برای یک پروژه کشاورزی مکانیزه در دشت قزوین را داد که مورد موافقت پهلوی دوم قرار گرفت. این پروژه در بهار سال ۱۳۴۵، مورد بازدید شاه قرار گرفت. مطبوعات اسرائیلی این بازدید را بسیار بااهمیت تلقی کردند و آن را «روز اسرائیل» نام نهادند!

### سازمان و فعالیت‌های کشاورزی در دشت مغان

آن منطقه شده بودند، همکاری خود را با آنها قطع کردند و در نهایت مردم دشت قزوین بدون کمک از اسرائیلی‌ها، به آبادانی منطقه خود و تداوم کار کشاورزی در آن پرداختند<sup>(۵)</sup>.

■ **اسرائیل و قرارداد دشت مغان**

پروژه دشت مغان افوق سری بود و اطلاعاتی درباره آن منتشر نشدا!دشت مغان به دلیل حاصلخیزی و واقع شدن در دو طرف رودخانه ارس، دارای بهترین زمین برای کشاورزی است که هم اکنون قسمت شمالی رود ارس - که در جمهوری آذربایجان است- در اختیار کارشناسان اسرائیلی قرار دارد. غصب بخشی از زمین‌های دشت مغان، به وسیله رضخان انجام شده و در دوره پهلوی دوم نیز خرید زمین به وسیله عوامل حکومتی از کشاورزان منطقه و با زور، فشار و تهدید انجام پذیرفته بود. در مورد کشت و صنعت دشت مغان اسنادی وجود دارد که نشان می‌دهد تأسیسات و ساختمان‌های اسرائیلی در آن منطقه احداث شده و اسرائیلی‌ها کشت فراسرزمینی را هم در آن آغاز کرده‌بودند، ولی تا جایی که امکان داشته، سعی در مخفی نگه داشتن آن داشته‌اند!

پهودیان اسرائیل همواره در تلاش بوده‌اند که فراسرزمینی برای اسرائیل، سود اقتصادی و سیاسی فراوانی داشت<sup>(۶)</sup>! باید توجه داشت اسرائیلی‌ها در طرح دشت قزوین چند هدف را دنبال می‌کردند:
۱- به رسمیت شناختن اسرائیل از سوی ایران.
۲- تماس و ارتباط روستاییان ایرانی با پهودیان که این امر باعث می‌شد تا بومی همکاری با پهودیان در انظار مردمان ایران و البته جهان اسلام شکسته شود تا اسرائیل بتواند بهتر به افکار خود جامعه عمل بپوشاند.
۳- تبلیغ کشاورزی و صنعت اسرائیل در ایران. برای انجام این هدف معمولاً نمایندگان یک کشور در تهران، با دعوت از مقامات ایرانی برای بازدید از اسرائیل، زمینه را برای عقد قراردادهای کشاورزی ایجاد می‌کردند<sup>(۷)</sup>.

حضور اسرائیلی‌ها در دشت قزوین، سود زیادی را عاید آنان کرد و در مقابل پیامدهای منفی فعالیت‌شان در منطقه تا سال‌ها بعد گریبان مردم آن سامان را می‌فرد! در این پیامدهای منفی، شامل موارد زیر می‌شد:

■ **اول:** از لحاظ مالکیت، این نقطه به تدریج در تصرف سران نظامی و غیرنظامی درآمد.
■ **دوم:** از لحاظ تولید، ملاک سود حداکثر کرد در حداقل مدت بود و یک تولید دائمی، نتیجه این نحوه کشت که در خوزستان نیز عیناً همین گونه معمول بود، فرسودگی و فرسایش سریع خاک است.
■ **سوم:** با حفر چاه‌های عمیق و نیمه‌عمیق، سطح آب‌های زیرزمینی را پایین برده و قنوت روستاهای این منطقه و روستاهای مجاور خشکانده و روستاییان از اندک آب خود نیز به سود صاحبان سرمایه محروم شدند.

■ **چهارم:** از لحاظ نوع تولید، دشت قزوین دنباله بخش کشاورزی اسرائیل بود. اسرائیل می‌خواست با توسعه وابستگی کشاورزی ایران به آن کشور، وضع را غیرقابل برگشت سازد<sup>(۸)</sup>.

به دلیل همین پیامدهای منفی، کم‌کم اعتراض‌ها به قرارداد دولت با اسرائیل در دشت قزوین آشکار شد، البته در مقابل، حکومت نیز به سرکوب معترضان اقدام کرد، مثلاً در دوره وزارت کشاورزی ریاحی، هر فردی که به حضور و دخالت اسرائیلی‌ها در ایران معترض می‌شد، بی‌درنگ به کار متفاوتی منتقل و اشخاصی دیگر جای او را می‌گرفتند<sup>(۹)</sup>. به هر حال پروژه دشت قزوین دوامی نداشت و ایرانی‌ها که در طول چند سال، متوجه اقدامات تخریبی اسرائیل در

■ **اسرائیل و دامپروری در ایران**
حکومت پهلوی علاوه بر قراردادهای کشت فراسرزمینی با اسرائیل، در زمینه دامپروری نیز با آنها قراردادها و تبادلاتی داشت. در واقع ایران، از خریداران مهم گاو و گوسفند اسرائیل به شمار می‌رفت، زیرا بعد از اجرای سیاست یکجانشین کردن عشایر در زمان رضاخان و سرکوب شدید آنها، عملاً در بخش تولید دامی خود کفایی ایران از بین رفته بود<sup>(۱۰)</sup>. از سال ۱۳۳۹ ه‍.ش/ ۱۹۶۰م، گاوهای اسرائیلی از طریق هواپی به ایران صادر می‌شدند. تعداد صادرات گاو اسرائیل طی شش سال، یعنی تا سال ۱۳۴۵ ۱۹۶۶۱ به هزار رأس رسید که از این تعداد، ۴۵۰۴رأس در سال ۱۳۴۴ به ایران صادر شد و در نوروز سال ۱۳۵۱، هیئت اقتصادی ایران شامل:

هاشم تراقی، سرتیپ علوی کیا و سپه‌پور، برای خرید هزارو ۵۰۰ رأس گاو به اسرائیل رفتند. نباید از نظر دور داشت که پهودیان با روشه‌و به مدیران و مسئولان ایرانی، حضور رقابتی دیگر را در ایران محدود می‌کردند. جواد منصور در خاطراتش آورده است: «در مورد صادرات گاو اسرائیل به شهرهای آبادان، شیراز و اصفهان، به تغذیه گاوها و تأسیس بنگاه‌های لبنیات، تحقیق به عمل آمد. در شیراز استاندارد جلسه تشکیل داد که در آن جلسه، نماینده یک شرکت خارجی نیز حضور داشت و سعی کرد از ارزش گاوهای اسرائیلی بکاهد. با این ادعا که این گاوها گران هستند و نسبت به گاوهای سوئیسی و هلندی هیچ گونه برتری ندارند، ولی مدیر ایرانی کشاورزی

سمنشنبه ۱۹دی ۱۴۰۲ | ۲۶جمادی‌الثانی ۱۴۴۵ |

این منطقه، نظر او را رد کرد. در ملاقات با استاندار اصفهان متوجه شدم او گل‌های شامل چهار گاو اسرائیلی داشت که در ماه ژوئیه گذشته وارد کرده بود. شیر گاوها با دست دوشیده می‌شد که حد متوسط آنها ۱۷کیلو گرم بود. با تأسیس بنگاه شیردوشی از سوی هبرون، انتظار می‌رود حد متوسط مزبور افزایش بیابد.استاندار اصفهان مایل به خرید گاوهای اسرائیلی بود و سفارشی جدید نیز داده است. در ضمن گاوهای اسرائیلی در پنج مرکز کشاورزی متریقی نیز وجود دارد<sup>(۱۱)</sup>». ■ **مرکبات**

یک دهه بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی و حرکت تولیدات کشاورزی و باغی به سمت نابودی، رژیم پهلوی شروع به واردات میوه از کشورهای دیگر از جمله اسرائیل کرد. به استناد خبر روزنامه اسرائیلی معاریو، در آذر سال ۱۳۵۴ «۲۰۰کامیون حامل مرکبات از باریکه غزه و از طریق پل‌های اردن و عمان، عازم ایران شدند.» همچنین خبرگزاری اسرائیل گزارش می‌دهد که صادرات مرکبات غزه به ایران پس از بازدید اخیر رشادالشاهو (شهردار اسرائیلی غزه) از اردن، کویت و ایران، امکانپذیر گردید (روزنامه معاریو، به تاریخ ۱۳۵۴/۹/۴)، البته جالب است که در بهمن ۱۳۵۶، صادرات میوه از اسرائیل به دلیل خطر مسمومیت با کودهای شیمیایی با مشکل جدی مواجه شد. در یکی از اسناد موجود در بایگانی وزارت امور خارجه، وزیر کشاورزی ایران طی نامه‌ای به وزیر امور خارجه، نگرانی خود را راجع به ورود پر تقال‌های آفت‌دار خطرناک اسرائیلی به ایران اعلام و تقاضا کرد نماینده ایران در اسرائیل، با مفاصلت آن دولت مذاکره کند و مانع را بر طرف سازد<sup>(۱۲)</sup>، البته همین نگرانی‌ها، درباره واردات نهال هم وجود داشت، زیرا اسرائیلی‌ها اقدام به ارسال نهال و بذرهایی به ایران کرده بودند که آفت‌زده بود. بررسی اسناد وزارت امور خارجه نشان می‌دهد در سال ۱۳۵۳، بذر گیاه JOJOBAاز سوی مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع وابسته به وزارت کشاورزی و منابع طبیعی، از ایالاتمتحده امریکا و اسرائیل وارد شده و نهال‌های حاصله در ایستگاه‌های تحقیقاتی سبزوآر، کرج و اهواز، باز کاشت شده است. این در حالی بود که اسرائیل هیچ‌گاه آفت‌دار بودن پر تقال‌های صادراتی به ایران و نیز نهال‌ها و بذرهایی مورد اشاره را نپذیرفت.

باید توجه داشت واردات محصولات کشاورزی دامی، محدود به موارد بالا نبوده و حتی شامل محصولات لبنی هم می‌شده است. به سه طور مصول روزنامه معاریو چاپ اسرائیل، در تاریخ ۱۳۵۳/۱۱/۱۱در این باره می‌نویسند: «پروژه از طرف سازمان دهندگان هفته خواربار اطلاع حاصل شد که مأمور هیئت مدیره کاخ سلطنتی ایران از نگاهشاه هفته خواربار در تل آویو دیدن کرده است. نماینده ایران که یک پهودی به نام الف- شومر است، توجه خاصی به محصولات تازه کشاورزی از خود نشان داد و با شرکت الراسکو برای خرید اوو کادو، گلابی، سیب و با شرکت لبنیات اشراومن برای خرید انواع پنیر به مذاکره پرداخت<sup>(۱۳)</sup>».

■ **کلام آخر**

اسرائیلی‌ها ضمن حضور وسیع خود در ایران، در زمینه‌های کشتش پنبه و چغندر قند و در امور باغداری و سبزیجات نیز فعال بودند که از این طریق سود سرشاری به دست می‌آوردند. که در بالادست رود هیرمند در کشور افغانستان زده خاطر بود، مناسب تشخیص داده شد. باید توجه داشت که در دوران پهلوی دوم، درباریان و امرای ارتش برای پیشرفت و کسب پول، به دنبال رقابت با یکدیگر و ارتباط با اسرائیل و در واقع آنها بودند که زمینه ورود صنعت کشاورزی این کشور را فراهم می‌کردند. به طور مثال تیمور بختیار از رؤسای ساواک و حاجی علی کیا، فرمانده رکن دوم ارتش از جمله افرادی بودند که برای ارتباط گیری با اسرائیلی‌ها تلاش بسیاری می‌کردند<sup>(۱۴)</sup>.

■ **اسرائیل و دامپروری در ایران**
حکومت پهلوی علاوه بر قراردادهای کشت فراسرزمینی با اسرائیل، در زمینه دامپروری نیز با آنها قراردادها و تبادلاتی داشت. در واقع ایران، از خریداران مهم گاو و گوسفند اسرائیل به شمار می‌رفت، زیرا بعد از اجرای سیاست یکجانشین کردن عشایر در زمان رضاخان و سرکوب شدید آنها، عملاً در بخش تولید دامی خود کفایی ایران از بین رفته بود<sup>(۱۵)</sup>. از سال ۱۳۳۹ ه‍.ش/ ۱۹۶۰م، گاوهای اسرائیلی از طریق هواپی به ایران صادر می‌شدند. تعداد صادرات گاو اسرائیل طی شش سال، یعنی تا سال ۱۳۴۵ ۱۹۶۶۱ به هزار رأس رسید که از این تعداد، ۴۵۰۴رأس در سال ۱۳۴۴ به ایران صادر شد و در نوروز سال ۱۳۵۱، هیئت اقتصادی ایران شامل:

هاشم تراقی، سرتیپ علوی کیا و سپه‌پور، برای خرید هزارو ۵۰۰ رأس گاو به اسرائیل رفتند. نباید از نظر دور داشت که پهودیان با روشه‌و به مدیران و مسئولان ایرانی، حضور رقابتی دیگر را در ایران محدود می‌کردند. جواد منصور در خاطراتش آورده است: «در مورد صادرات گاو اسرائیل به شهرهای آبادان، شیراز و اصفهان، به تغذیه گاوها و تأسیس بنگاه‌های لبنیات، تحقیق به عمل آمد. در شیراز استاندارد جلسه تشکیل داد که در آن جلسه، نماینده یک شرکت خارجی نیز حضور داشت و سعی کرد از ارزش گاوهای اسرائیلی بکاهد. با این ادعا که این گاوها گران هستند و نسبت به گاوهای سوئیسی و هلندی هیچ گونه برتری ندارند، ولی مدیر ایرانی کشاورزی

<sup>[1]</sup> دیدار هموز قزاقیب، رئیس تشریفات وزارت دیار پهلوی با موشه دایان و همسرش در مسیر به ایران

<sup>[2]</sup> دیدار هموز قزاقیب، رئیس تشریفات وزارت دیار پهلوی با موشه دایان و همسرش در مسیر به ایران

<sup>[3]</sup> دیدار هموز قزاقیب، رئیس تشریفات وزارت دیار پهلوی با موشه دایان و همسرش در مسیر به ایران